

خطبه ١٩٨ - قرآن كريم

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ، وَسِرَاجًا لَا يَجْبُو^(٦) تَوْقُدُهُ، وَبَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ، وَمِنْهَا جَاءَ^(٧) لَا يُضِلُّ مَهْجُهُ^(٨)، وَشُعَاعًا لَا يُظْلِمُ ضَوْؤُهُ،

وَفُرْقَانًا لَا يُخَمِّدُ بُرْهَانُهُ، وَبَيِّنَاتًا لَا تُهْدِمُ أَرْكَانُهُ، وَشِفَاءً لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ، وَعِزًّا لَا تُهْزِمُ أَنْصَارُهُ، وَحَقًّا لَا تُخْذَلُ أَعْوَانُهُ.

فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَجُبُوحَتُهُ^(١)، وَبِنَائِبِ الْعِلْمِ وَجُحُورُهُ، وَرِيَاضُ^(٢) الْعَدْلِ وَعُدْرَانُهُ^(٣)، وَأَثَابِي^(٤) الْأَسْلَامِ وَبُنْيَانُهُ، وَأَوْدِيَّةُ الْحَقِّ وَغَيْطَانُهُ^(٥).

وَبَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ^(٦)، وَعُيُونٌ لَا يُنْضِبُهَا الْمَاتِحُونَ^(٧)، وَمَنَاهِلٌ^(٨) لَا يَغِيضُهَا^(٩) الْوَارِدُونَ، وَمَنَازِلٌ لَا يُضِلُّ مَهْجَهَا الْمُسَافِرُونَ، وَأَعْلَامٌ لَا يَعْمَى عَنْهَا السَّائِرُونَ، وَأَكَامٌ^(١) لَا يَجُوزُ عَنْهَا^(٢) الْقَاصِدُونَ.

جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ، وَرَبِيعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ، وَمَحَاجِّ^(٣) لِبَطْرِ الصُّلَحَاءِ، وَدَوَاءً لَيْسَ بَعْدَهُ دَاءٌ، وَنُورًا لَيْسَ مَعَهُ ظُلْمَةٌ، وَحَبْلًا وَثِيقًا عُرْوَتُهُ، وَمَعْقِلًا مَنِيعًا ذُرْوَتُهُ،

وَعِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ، وَسِلْمًا لِمَنْ دَخَلَهُ، وَهُدًى لِمَنْ اتَّكَمَ بِهِ، وَعُدْرَةً لِمَنْ انْتَحَلَهُ، وَبُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ، وَشَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ، وَفَلْجًا^(٤) لِمَنْ حَاجَّ بِهِ،

وَحَامِلًا لِمَنْ حَمَلَهُ، وَمَطِيَّةً لِمَنْ أَعْمَلَهُ، وَآيَةً لِمَنْ تَوَسَّمَهَا، وَجَنَّةً^(٥) لِمَنْ اسْتَلَامَ^(٦)، وَعِلْمًا لِمَنْ وَعَى، وَحَدِيثًا لِمَنْ رَوَى، وَحُكْمًا لِمَنْ قَضَى^(٧).

ترجمه فارسی

(انصاریان)

سپس قرآن را بر او نازل کرد، نوری که چراغهایش خاموش نمی‌شود، و چراغی که افروختگی‌اش کاهش بر نمی‌دارد، و دریایی که قعرش درک نمی‌گردد، و راهی که حرکت در آن گمراهی ندارد، و شعاعی که روشنی آن تاریک نمی‌شود،

ایه‌هایش ویران نگردد، و دارویی که بیم بیماریهای آن نمی‌رود، و بلند مرتبه‌ای که یارانش را شکست نرسد، و حقی که مدد کارانش دچار شکست نشوند.

قرآن معدن ایمان و میان سرای آن، چشمه‌های دانش و دریا‌های آن، باغهای عدل و داد و حوضهای آن، پایه‌های اسلام و اساس آن، وادیهای حق و دشت‌های سر سبز آن است،

دریایی است که آب برداران آبش را تمام نکنند، و چشمه‌هایی است که آبکشان آب آنها را به آخر نرسانند، و آبشخورهایی است که واردان از آن کم ننمایند، و منازلی است که مسافران راهش را گم نکنند، و نشانه‌هایی است که از چشم راهروان پنهان نماند، و تپه‌هایی است که روندگان از آنها نگذرند.

خداوند آن را سیرابی تشنگی دانایان قرار داد، و نیز بهار قلوب بینایان، و مقصد راههای صالحان، و دوايي که پس از آن بیماری نیست، و نوری که با آن تاریکی نباشد، و ریسمانی که جای چنگ زدن به آن محکم است، و حصار با بنیانی که آفات را بر اوج آن راه نیست،

و برای دوستدارانش عزت، و برای واردش صلح و ایمنی، و برای اقتدا کننده به آن راهنما، و برای آن که آن را مذهب خود قرار دهد عذر و دلیل، و برهان کسی که با آن سخن گوید، و شاهد آن که به وسیله آن به جدال با دشمن برخیزد، و پیروزی آن که به آن حجت آورد،

و راهبر کسی که به آن عمل نماید، و مرکب آن که آن را به کار اندازد، و نشانه واضح برای کسی که نشانه جوید، و سپر باز دارنده از بلا برای آن که آن را در برکند، و دانش برای کسی که آن را در گوش جای دهد، و خبری صحیح برای آن که روایت کند، و حکمی حق برای کسی که با آن حکم نماید

About the holy Quran

(By: GuidanceLight: Nahaj al-Balagha - HD ap)

Then, Allah sent to him the Book as a light whose flames cannot be extinguished, a lamp whose gleam does not die, a sea whose depth cannot be sounded, a way whose direction does not mislead, a ray whose light does not darken

a separator (of good from evil) whose arguments do not weaken, a clarifier whose foundations cannot be dismantled, a cure which leaves no apprehension for disease, an honor whose supporters are not defeated, and a truth whose helpers are not abandoned

Therefore, it is the mine of belief and its center, the source of knowledge and its oceans, the plantation of justice and its pools, the foundation stone of Islam and its construction, the valleys of truth and its plains

an ocean which those who draw water cannot empty, springs which those who draw water cannot dry up, a watering place which those who come to take water cannot exhaust, a staging place in moving towards which travelers do not get lost, signs which no wayfarer fails to see and a highland which those who approach it cannot surpass it

Allah has made it a quencher of the thirst of the learned, a bloom for the hearts of religious jurists, a highway for the ways of the righteous, a cure after which there is no ailment, an effulgence with which there is no darkness, a rope whose grip is strong, a stronghold whose top is invulnerable

an honor for him who loves it, a peace for him who enters it, a guidance for him who follows it, an excuse for him who adopts it, an argument for him who argues with it, a witness for him who

quarrels with it, a success for him who argues with it a carrier of
burden for him who seeks the way, a shield for him who arms
himself (against misguidance), a knowledge for him who listens
carefully, worthy story for him who relates it and a final verdict of
him who passes judgements